



# کنسرت‌های خارجی احمیا می‌شوند؟



عاطفه جعفری خبرنگار گروه فرهنگ

هفته فرهنگی ایران و روسیه از ۱۳ تا ۱۸ تیرماه در شهرهای مسکو و سنت پترزبورگ روسیه برگزار شد و دو کشور در چهارچوب اسناد رسمی موافقتنامه

همکاری میزبان برگزاری رویداد بزرگ هفته فرهنگی ایران که معرف فرهنگ و هنر ایرانی است، بودند. مطمئناً این روابط فرهنگی در کشورهای همسایه می‌تواند تاثیرگذار باشد و هنر دو کشور را به مردمشان معرفی کند. وقتی از اکران فیلم‌های خارجی صحبت می‌کنیم می‌توانیم از برگزاری کنسرت‌های موسیقی هم بگوییم. اینکه خوانندگان ایرانی به کشورهای مختلف

بروند، اتفاق می‌افتد اما اینکه کنسرت خارجی برگزار کنیم، کمتر اتفاق افتاده است. در گزارش امروز به برگزاری کنسرت‌های خارجی پرداختیم، موضوعی که بارها در موردش بحث شده و حتماً می‌تواند به روابط فرهنگی دو کشور کمک کند. نگاهی هم داشتیم به کنسرت‌هایی که در این چند سال گروه‌های خارجی در ایران برگزار کردند و از آنها استقبال شده است.

## آزبانی تاجیبسی کینگ

سال ۱۳۸۷ گمانه‌زنی‌ها درباره سفر کریس دی‌برگ، خواننده ایرلندی در نهایت به سفر او به ایران انجامید و قرار بود کنسرتی نیز برگزار کند اما این سفر نهایتاً به ضبط کلیپی با گروه پاپ «آرین» ختم شد و ماجرا این گونه تمام شد. در بحبوحه جریان برجام نیز دولت تدبیر و امید با انگیزه ایجاد ارتباط فرهنگی، طرح «دیپلماسی فرهنگی» را در دستور کار خود قرار داد و همه نهادها و وزارتخانه‌ها در مسیر این تعامل قرار گرفتند و وزارت ارشاد نیز با جدیت همین دیپلماسی فرهنگی را دنبال کرد. در همان زمان، یانی، هنرمند معروف یونانی که کنسرت آکروپولیس در دو دهه پیش در جهان سر و صدای زیادی به پا کرده بود، از اولین هنرمندانی بود که برای کنسرت در ایران ابراز تمایل کرد که این امر محقق نشد و تلاش او برای برگزاری کنسرت در ایران بی‌نتیجه ماند و قرعه به نام کیتارو، هنرمند ژاپنی افتاد که توانست کنسرت خود را در ایران به اجرا بگذارد. پس از او هنرمندان دیگری از سراسر جهان برای برگزاری کنسرت به ایران آمدند. در همان زمان گروه جیبسی کینگ که سال‌هاست از آن شهرت و محبوبیت جهانی‌اش فاصله گرفته نیز برای کنسرت به ایران آمد و با کمال تاسف مشخص شد که تیم موسیقی‌ای که به این نام وارد ایران شدند، هیچ ربطی به اعضای گروه جیبسی کینگ ندارند و گروه تقلبی از آب درآمد!

## خواننده ایتالیایی

علی‌رغم همه مشکلات اقتصادی که وجود دارد باز هم کنسرت‌های موسیقی مورد استقبال قرار می‌گیرد و در چند روز گذشته در مورد کنسرت‌ها و میزان استقبال صحبت کردیم. در سال ۱۳۹۷، که به دلایل مختلف، کنسرت‌های هنرمندان داخلی ملغی می‌شد، از طرف دیگر استقبال مردم از کنسرت‌های موزیسین‌های خارجی ادامه داشت. کنسرت‌های خارجی که اتفاقاً بلیت‌هایشان ارزان هم نبود و از ابتدای سال ۱۳۹۷ شاهد حضور چند هنرمند مهم خارجی روی سن سالن‌های ایران بودیم. اردیبهشت ماه سال ۹۷، لودویگو ایناودی، پیانیست مدرن و آهنگساز مشهور ایتالیایی در سالن بزرگ وزارت کشور کنسرت داشت و بلیت‌هایش از مدت‌ها قبل سولدات شدند. کنسرتی که برای اولین بار نشان داد در سالن وزارت کشور هم می‌شود صدای خوب داشت. صدابرداری درجه یک و نورپردازی در سطح بالا علاوه بر توانایی فوق‌العاده ایناودی و گروهش باعث شد شاهد یک کنسرت به‌یادماندنی در تالار بزرگ وزارت کشور باشیم. لودویگو ایناودی، آهنگساز و پیانیست مشهور ایتالیایی را پنج، شش سال پیش کمتر کسی در ایران می‌شناخت. بعد از تب فیلم فرانسوی «دست‌نیافتنی‌ها» (intouchables) و موسیقی متن جذابش که سولوی پیانو بود، ایناودی در ایران هم چهره مطرحی شد و کم‌کم بقیه کارهایش هم در اینترنت دست به دست چرخید و شنیده شد. ایناودی برای قطعات موسیقی فیلم‌های دیگر، مثل «کتابخوان» هم شهرت دارد، اما یکی از مشهورترین قطعاتش مرتبه‌ای است که برای قطب جنوب نوشته و همان جا، میان یخ‌هایی که آب می‌شوند، ضبط کرده و ویدئوی آن یکی از مشهورترین قطعات برای محیط زیست است که طرفداران زیادی پیدا کرد و ملودی‌اش هم به‌شدت گوش‌نواز و براگیراننده بود.

## کلابدرمن فرانسوی در ایران

سالن وزارت کشور در تیرماه همان سال میزبان ریچارد کلابدرمن بود. اوایل دهه شصت از آلوم‌های رنگ‌به‌رنگ موسیقی کلاسیک خبری نبود. ارکستر سمفونیک فعالیت چندانی نداشت و تنها راه ارتباطی با موسیقی کلاسیک معدود نوارهای کاستی بود که در حقیقت جایی میان موسیقی پاپ غربی و کلاسیک قرار می‌گرفتند. همین‌ها باعث شد که ریچارد کلابدرمن در دهه شصت تبدیل به یکی از مهم‌ترین پیانیست‌های کلاسیک جهان برای ایرانی‌ها شد؛ در حالی که عمده شهرت او به خاطر پاپ کردن قطعات مشهور کلاسیک مثل «فوزالیز» یا «سونات مهتاب» بتهوون بود. ریچارد کلابدرمن فرانسوی که حتی خیلی‌ها نمی‌دانند نام اصلی‌اش فیلیپ پایه است تیرماه در ایران کنسرت برگزار کرد. در ۶۴ سالگی هنوز پرانرژی بود و برای کنسرتش که در وزارت کشور برگزار شد آنقدر سر و دست شکستند که اجرائیش برای دو شب بیشتر هم تمدید شد. قیمت بلیت‌ها هم ارزان نبود. از ۱۰۰ هزار تومان شروع می‌شد تا ۳۰۰ هزار تومان.

## استقبال از قطعات شوپرت و موتزارت

اواخر خرداد سال ۹۷ کنسرت ارکستر سمفونیک ایران-اتریش در سری برنامه‌هایی که نشر هرمس ورامین صدیقی برگزار می‌کردند، از یک رهبر ارکستر و یک خواننده باریتون دعوت کردند به ایران بیایند و همراه با این ارکستر در تالار وحدت برنامه اجرا کنند. از معاونت فرهنگی وزارت ارشاد تارمدی که به‌عشق شنیدن قطعاتی از شوپرت و موتزارت آمده بودند در سالن حضور داشتند. سه طبقه تالار وحدت پر از تماشاگرانی بود که حداقل ۱۰۰ هزار تومان پول بلیت داده بودند.

## نوازندگان سازهای زهی و زخمه‌ای

شهریورماه تا قبل از محرم باید کنسرت‌ها برگزار می‌شد و آخرین موزیسین‌های خارجی که باید برای اجراایشان به ایران می‌آمدند، نوازندگان سازهای زهی و زخمه‌ای بودند که باز هم به دعوت نشر هرمس و از سری برنامه‌های بازی گوش به ایران آمدند. این شش شب کنسرت در حالی برگزار می‌شد که به دلیل ماجرای نرخ ارز تصور خیلی‌ها این بود که این بار کنسرت خواهد شد. با این حال با افزایش قیمت نه‌چندان زیاد بلیت‌ها و رقمی بین ۹۰ هزار تومان تا ۱۵۰ هزار تومان در فرهنگسرای نیلوارن هر شب دو اجرا برگزار شد. شب اول مخصوص کیتار، گلفام خیام از ایران و سوفیا بروس از اتریش و مجارستان روی صحنه رفتند. در این شش شب هم هر بار شاهد معرفی یک هنرمند جوان بودیم. اولاش اوزدمیر، نوازنده ساز باقلا از ترکیه، آنیا لخنر، نوازنده ویولنسل از آلمان که بارها در کنار کوارتت تا کوفسکی به ایران آمده، فرنک استنبرگر، نوازنده گیتار مجار، ماتس آلبرتنسن و رنو گارسیا فونسن، نوازندگان کنترباس از نروژ و فرانسه و تونی اوورواتر، نوازنده باس ویول از هلند هم‌مانان جشنواره نمایش دست‌ها (show of hands) بودند که دومین سالی بود که برگزار می‌شد. سال ۹۶ در قالب همین فستیوال مطرح‌ترین پیانیست‌های جهان به ایران سفر کرده بودند.

## توجه به کشورهای همسایه و ظرفیت‌ها

همه این نمونه‌هایی که از کنسرت‌های خارجی گفتیم، یک ویژگی مشترک داشتند و آن هم اینکه خوانندگان یا نوازندگان از کشورهای همسایه نبودند. در حالی که ظرفیت‌های زیادی در همین کشورهای همسایه است که می‌توان استفاده کرد. در هفته مشترک ایران و روسیه، در بخش موسیقی، ارکستر ملی ایران و ارکستر دولتی جوانان روسیه دو اجرای مشترک در شهرهای مسکو و سنت پترزبورگ برگزار کردند و در این ارکستر مشترک، ۱۹ نوازنده از کشورمان به همراه ۱۶ نوازنده روس حضور داشتند.

ارتباطات فرهنگی یکی از مولفه‌های مهم در دیپلماسی عمومی

کشورها است و از قابلیت برای تأمین منافع ملی استفاده می‌کنند و ما هم بسیار می‌توانیم از این فرصت استفاده کنیم. تاجیکستان در نمایشگاه کتابی که گذرانیم به‌عنوان میهمان ویژه دعوت شده بود. صحبتی با هنرمندان تاجیکستانی که آمده بودند داشتیم و تاکیدشان این بود که آنها اکثر ادیبان و هنرمندان ایرانی را می‌شناسند اما عکس این موضوع صادق نیست و هنرمندان تاجیکستانی خیلی در ایران شناخته شده نیستند. افغانستان، تاجیکستان و ترکمنستان، از جمله کشورهای همسایه که اشتراکات فراوانی با آنها داریم. ما باید بتوانیم رهیافت‌های فرهنگی را در این مواردی که وجود دارد،

برجسته کنیم. یعنی به موازات ابعاد سیاسی که در پی تقسیم و مرزبندی است، مسائل فرهنگی را آن گونه که هست به جایگاه اصلی آن یعنی محیط فرهنگی سوق دهیم. البته این کار با باید به دور از تنش، با درک متقابل و نگاه به همکاری پیگیری کنیم. مثلاً عمر خیام در روسیه بسیار محبوب است. ترجمه اشعارش در کتب درسی مدارس و دانشگاه‌های روسیه آمده و به کرات نمایشنامه و فیلم برایش ساخته‌اند. جوانان روسی برای ترجمه اشعار او موسیقی می‌سازند. در کشورهای دیگر هم همین موضوع صادق است.

## تپیه‌کنندگانی که باید کنسرت‌های خارجی را بدون مافیای مدیریت کنند

حوزه فرهنگ، باید به فکر جریان سازی و هدایت آثار فاخر حوزه فرهنگ باشند. فضایی که فراهم شده است، باید این امکان عادلانه‌تری برای حضور طیف‌های مختلف هنر موسیقی فراهم کند. اگر این امکان حضور در فضای موسیقی به صورت عادلانه توزیع نشود، کنسرت‌های موسیقی کشور در دست چند تپیه‌کننده و در دایره مافیاهای موسیقی محدود خواهد ماند. اگر به کنسرت‌های خارجی هم که در سال‌های اخیر برگزار شده نگاهی داشته باشیم، می‌بینیم که مثلاً با موفقیت کنسرت کیتارو در ایران سیل تپیه‌کنندگانی که دنبال آوردن هنرمندان

در گزارشی که هفته گذشته در «فرهنگستان» منتشر کردیم، از مافیای موسیقی گفتیم و تاکید کردیم مدیران و دستگاه‌های فرهنگی ایستایی بیش از گذشته برای توسعه این فضای پر نشاط فرهنگی، دقت نظر داشته باشند. نشاط اجتماعی را می‌توان از حال‌های متنوع فرهنگی در سطوح مختلف اجتماعی تریق کرد. یکی از موارد اشکالاتی که بر وضعیت امروز فرهنگ وارد است اینکه سطح دربرگیری رویدادهای هنری محدود است و بایستی گستره وسیع‌تری از افراد جامعه را درگیر کرد. ضمن اینکه دستگاه‌های فرهنگی با مساعدت از کارشناسان و متخصصان

خارجی در مهرماه سال ۹۳ داشتند و طی چهار شب برگزار شده بود بلیت‌ها از ۸۰ تا ۱۹۵ هزار تومان قیمت گذاری شده بودند. تا آن زمان، کنسرت «آتلپاک» رضایزدانی که سقف قیمت بلیتش به ۳۵۰ هزار تومان رسید، رکورددار گران‌ترین اجرای موسیقی در ایران به حساب می‌آمد. اما طی همان زمان، برخی اجراهای خارجی از جمله کنسرت‌های شیر و لودویگو ایناودی تا سقف ۳۰۰ هزار تومان هم قیمت گذاری شدند.

گاهی قیمت گذاری بلیت‌های کنسرت در ایران از ضابطه خاصی تبعیت نمی‌کند و تپیه‌کنندگان کنسرت‌ها به تشخیص

خارجی به ایران بودند به راه افتاد. کسانی که نه ارزش هنری برایشان ملاک بود که به جامعه هنری و مخاطبان برمی‌گردد و نه دیپلماسی فرهنگی که خطمشی مورد تاکید دولتمردان بود. اینها تنها به خاطر اینکه راه جدیدی برای درآمدزایی یافته بودند سراغ دعوت از این هنرمندان می‌رفتند. شاید در بهترین و خوش‌بینانه‌ترین حالت بتوان گفت که لااقل این دو فاکتور به هیچ وجه در اولویت کاری این تپیه‌کننده‌ها نبود. بلیت‌های این کنسرت‌ها در آن زمان از کف ۱۵۰ هزار تومان تا سقف ۴۰۰ هزار تومان قیمت گذاری شده بود. در کنسرت‌هایی که هنرمندان

خودشان و بدون هیچ ضابطه قانونی، قیمت بلیت کنسرت‌ها را بالا و پایین می‌کنند. قیمت گذاری بلیت کنسرت باید یکی از وظایف شکل صنفی خانه موسیقی باشد که با توجه به شرایط روز این مهم را انجام دهند و باید قانونی مشخص برای انجام این کار تعریف شود؛ از این رو طی سالیان گذشته به دلیل انفعال ساختاری این نهاد، تپیه‌کنندگان کنسرت‌ها، به تشخیص خودشان و بدون هیچ ضابطه قانونی، قیمت بلیت کنسرت‌ها را تعیین کرده و بالا می‌برند.

## چارسو

### مذهبی‌ها می‌گول ویدئوهای تعلقیده شده را نخورند

روح‌الله سهرابی در واکنش به کلیپ تعلقیده شده‌ای که از فیلم سینمایی «چپ» راست در فضای مجازی منتشر و باعث عصبانیت برخی کاربران شد، می‌گوید: توضیحات مفصلی داد و گفت: «تعلقیده فیلم‌ها و نمایش صحنه‌های خاص و برجسته کردن آن با هر هدفی در جامعه رویکرد نادرست و غیراخلاقی است. توقع از فعالان رسانه و اهالی فرهنگ و هنر این است که برای قضاوت درباره یک فیلم سینمایی قبل از هر چیزی به تماشا نشی کامل آن بپردازند و از همراهی با گروه یا ایرانی بدون در نظر گرفتن مصالح و معذوریتهای اجتماعی و فرهنگی که اقدام به حاشیه‌سازی می‌کنند، خودداری کنند. فارغ از اینکه این فیلم محصول دوره قبل است و پروانه ساخت و حتی پروانه نمایش آن پیش از استقرار دولت جدید صادر شده اما باید عرض کنم با مقاومت سازمان سینمایی و اصرار بر حذف صحنه‌های متعدد، این فیلم به نمایش درآمده است. عوامل فیلم هم بیشترین همکاری را برای رفع موانع و مشکلات اکران فیلم به کار بستند و پس از حدود یک‌سال و نیم و با اصلاحات بسیار امکان نمایش عمومی آن فراهم شد که اتفاقاً در شرایط اجتماعی سال گذشته که اساساً تپیه‌کنندگانی رغبتی به نمایش آثار خود نداشتند و ترجیح می‌دادند آثار خود را در دوره آرامش و عافیت اکران کنند. تپیه‌کننده محترم این فیلم جزء معدود سینماگرانی بود که حاضر به اکران فیلم خود در سینماها شد. این بار اول نیست و احتمالاً بار آخر هم نخواهد بود که برخی با ناآگاهی دست به واکنش‌هایی بزنند که منجر به خدشه‌دار شدن حیثیت خانواده سینما و حاشیه‌سازی برای آن و

تحمیل هزینه‌های اجتماعی می‌شود. چرا هرگاه سینما و حوزه فرهنگ و هنر به رونق و آرامشی می‌رسند جریان‌تانی درصد آشفته کردن فضا و تخریب مسئولان و دست‌اندرکاران این حوزه برمی‌آیند؟ بعید نیست در شرایط فعلی این نوع همه‌جا شیطنت‌ها در افکار عمومی و خانواده‌های مذهبی تنها برای سرپوش گذاشتن به موفقیت‌های سازمان سینمایی و اقدامات قابل تمجید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در چندماه اخیر باشد، در مقطعی که با تدبیر درست و با درک ضرورت گسترش نشاط اجتماعی و فرهنگی جامعه شاهد آرامش و رشد و رونق نسبی در جامعه و فضای فرهنگ و سینما هستیم. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان سینمایی طی دوسال اخیر با تولیدات و سیاست‌گذاری‌های خود نشان داده است که بیشترین دغدغه، اهتمام و مسأله‌مندی را در این حوزه دارد و گواه این مدعا دهه‌های فیلمی است که در سال گذشته با محوریت مفاهیم دینی و موضوعات اخلاقی و اعتقادی و ترویج ارزش‌های دفاع مقدس روانه پرده سینماها و جشنواره‌ها کرده و با اهتمام به مقوله استانداردسازی و کیفی‌گرایی از تولید آثار هنجارشکنانه و دارای مضامین مبتذل و غیراخلاقی جلوگیری کرده است. خوشبختانه مردم‌مان علی‌الخصوص هیأتی‌ها و مذهبی‌ها هوشیارتر و آگاه‌تر از آنند که توسط یک یا چند فرد ناآگاه که احتمالاً شناخت کاملی از حساسیت‌های روز کشور و جامعه ندارند یا شاید صرفاً برای دیده شدن در فضای مجازی اقدام به انتشار این گونه کلیپ‌های تحریک‌آمیز کرده‌اند، اغفال شوند و در جهت افکار و منویات آنان قدمی بردارند.»

### گویا حمله با مشت به دهان تان مژه کرده!

سیروس الوند، کارگردان و فیلمنامه‌نویس شناخته‌شده با ارسال جوابیه‌ای اختصاصی به خبرنگاران در واکنش به اظهارات پرویز پرستویی درباره فیلم سینمایی «آنجا همان ساعت» که گفته شده با سرمایه گذاری دوستان پرستویی ساخته شده اما به دلیل کم‌توجهی سیروس الوند هنوز اکران نشده است، نوشت: «آقای پرویز پرستویی عزیز؛ هرگز باور نمی‌کردم آنچه را که گپگاه از همکاری در خصوص وجه پنهان شخصیت شما می‌شنیدم، حقیقت داشته باشد که متأسفانه دارد. امیدوارم کلیتاً ایستوداد ۹۳ ساله به شما پیشنهاد همکاری بدهد و شما برای ایشان هم سرمایه‌گذار و اسپانسر بپرید. ظاهراً در سال‌های اخیر رابطه شما با بخش مالی یک فیلم (سرمایه‌گذار و اسپانسر) گرم‌تر و محکم‌تر است. زمانی که قرار شد در فیلم «آنجا همان ساعت» بازی کنید، گرفتار فیلمی لس‌آنجلسی بودید (نام فیلم را به یاد ندارم) و همه بر این باور بودند که آن فیلم در شأن پرویز پرستویی نبود. بعد هم رفتید سراغ فیلم مطرحی که دستمزد چربی به شما دادند و خوشبختانه مخاطبان آواز خواندن شما را هم دیدند. پیشنهاد آوردن سرمایه‌گذار را شما دادید. بنده اصلاً آقای قندی نازنین را نمی‌شناختم. شما فیلمنامه را به ایشان دادید که بخواند و گفتید یک‌شنبه دیوار خوانده و سخت دلش می‌خواهد در این فیلم باشد. قراردادها را بستیم. شما سر دستمزد چانه زدید و صدمیلیون بیشتر از قراری که داشتیم درخواست کردید و من در حضور سرمایه‌گذار تازه‌نفس که حضورش می‌توانست موتور فیلم را به‌یاداند، چاره‌ای جز پذیرش نداشتم. اسپانسر را هم شما پیشنهاد کردید. من اصلاً ایشان

را نمی‌شناختم. فیلم تمام شد. درست بعد از جشنواره برادرم خشایار که پاره تنم بود، فوت کرد. مدتی پریشان بودم. ضمن اینکه اکران فیلم‌ها هم همگی بی‌رونق بودند. با آقای شایسته که از کاربلد‌های حوزه‌های تولید و پخش هستند مشورت کردیم و قرار شد که صبر کنیم تا وضع اکران روبه‌راه شود. فیلم آنجا همان ساعت با ۷۰۰ میلیون تومان آقای سرمایه‌گذار تولید نشده، دستمزد بنده به بابت سه کار نوشتن فیلمنامه، کارگردانی فیلم و تهیه‌کنندگی در فیلم هست. ضمن اینکه بنده درصد از سهم خود را به فارابی فروخته‌ام و خرج فیلم کرده‌ام. آقای شایسته و آقای قندی کاملاً در جریان هستند. حالاً شمایقه بنده را گرفته‌اید که چی؟ ۱۰۰ میلیون تومان تان را می‌خواهید. بنده حاضرم تقدیم کنم. اصلاً تمام سهم من از این فیلم مال شما و آقای سرمایه‌گذار. فقط بدی‌های فیلم را به اشخاص بدهید. به نظر می‌رسد آن دفعه که در آمریکا به خبرنگاری که از شما یک سوال پرسیده بود، حمله کردید و با مشت تهدیدش کردید به دهان تان مژه کرده. از حضور من در جلسات تولید و مهمانی گفته‌اید، منظورتان چیست؟ من یک‌بار در خانه هنرمندان برای بزرگداشت آتیلا پسیانی عزیز رفتم که شما هم آنجا بودید، بار دیگر در مراسم یادبود کیومرث پوراحمد رفتم که شما نبودید. برارم تعجب آور بود. شما همیشه صاحب‌عزای همه هنرمندان فوت شده بودید. از خسرو شکیبایی گرفته تا ناصر ملک‌مطیعی. امیدوارم فیلم بعدی شما با کلیت ایستوداد باشد. ما که خسته‌ایم. نه من، که بسیاری از همکاران من و شما خسته‌اند.»